

Studying the Narration of Imam Ali's Controversy with the Prophet (PBUH) in Sunni Sources

Mohsen Deymekar Grub¹

Zahra Khorasani^{*2}

Abstract

In narrative Sunni sources, a narration has been quoted about Imam Ali's argument with the Prophet. According to this narration, the Prophet (PBUH) intended to wake up Imam Ali (AS) for the night prayer, but faced with a deterministic response from Imam Ali (AS), which eventually led to the Prophet's offense; therefore, it is necessary to study and evaluate it. Issues including, 'Ibn Shahab Zuhri is the sole individual who commented on this narration', 'humiliation of an Imam by two other Imams', 'rudeness and audacity toward the Prophet (PBUH)', 'the deterministic response of Imam Ali (AS)', 'offending the Prophet (PBUH) and his turning away from Imam Ali (AS)', 'conflicting with immaculateness of Imam Ali (AS) and his worshiping history', 'controversy with the dignity of verse revelation', along with many other reasons and evidences strengthen the probability of its falseness.

Keywords

Prophet (PBUH), Imam Ali (AS), Ibn Shahab Zuhri, False Narrations, Reviewing the Document and Content of Hadith.

Citation: Deymekar Grub, M., Khorasani, Z (2020) Studying the Narration of Imam Ali's Controversy with the Prophet (PBUH) in Sunni Sources. Bi-quarterly Scientific Journal of Studies on Understanding Hadith. Vol. 6, No. 2 (Serial. 12), pp. 105-122. (In Persian)

1. Assistant Professor, University of Mashhad. Email: mdeymekar@gmail.com

2. Responsible Author, M.A. Student of Quran and Hadith Studies, University of Mashhad. Email: zahra.khorasani@chmail.ir

Received on: 07/11/2019

Accepted on: 11/03/2020

بررسی روایت مجادله امام علی (ع) با پیامبر (ص) در مصادر اهل سنت

محسن دیمه‌کار گراب^۱
زهرا خراسانی*^۲

چکیده

در مصادر روایی اهل سنت، روایتی مبنی بر جدل امام علی (ع) با پیامبر (ص) نقل شده است. بنا بر مضمون روایت، پیامبر (ص) قصد بیدار کردن امام علی (ع) را برای نماز شب داشتند؛ اما با پاسخ جبرگرایانه امام علی (ع) مواجه می‌شوند که در نهایت منجر به آزار و اذیت پیامبر (ص) می‌شود؛ لذا بررسی و ارزیابی این روایت امری ضروری به نظر می‌رسد. تفرد ابن شهاب زهری در نقل آن، تخریب امام (ع) توسط دو امام دیگر، بی‌ادبی و جسارت نسبت به پیامبر (ص)، پاسخ جبرگرایانه امام علی (ع)، آزار و اذیت پیامبر (ص) و روی برگرداندن ایشان از امام علی (ع)، تعارض با عصمت امام علی (ع) و سیره عبادی ایشان، تعارض با شأن نزول آیه در کنار ادلّه و شواهد متعدد دیگر از جمله عواملی هستند که احتمال جعلی و ساختگی بودن این روایت را تقویت می‌کند.

کلیدواژه‌ها

پیامبر (ص)، امام علی (ع)، ابن شهاب زهری، روایات جعلی، نقد سند و متن حدیث.

استناد: دیمه‌کار گراب، محسن؛ خراسانی، زهرا (۱۳۹۹). بررسی روایت مجادله امام علی (ع) با پیامبر (ص) در مصادر اهل سنت، دوفصلنامه علمی مطالعات فهم حدیث، ۶ (۲)، پیاپی ۱۲، صص ۱۰۵-۱۲۲.

۱. استادیار دانشکده علوم قرآنی مشهد. mdeymekar@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده علوم قرآنی مشهد (نویسنده مسئول).

zahra.khorasani@chmail.ir

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۸/۱۶ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۲۱

۱. طرح مسأله

یکی از روایاتی که در بسیاری از منابع روایی و تفسیری اهل سنت گزارش شده، روایتی از ابن شهاب زهری به نقل از امام سجاد (ع) است: «... حَدَّثَنَا الزُّهْرِيُّ قَالَ أَخْبَرَنِي عَلِيُّ بْنُ حُسَيْنٍ أَنَّ حُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ أَخْبَرَهُ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَخْبَرَهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ طَرَقَهُ وَفَاطِمَةَ بِنْتَ النَّبِيِّ لَيْلَةً فَقَالَ «أَلَا تُصَلِّيانِ» فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَنْفُسَنَا بِيَدِ اللَّهِ، فَإِذَا شَاءَ أَنْ يَبْعَثَنَا بَعَثَنَا. فَأَنْصَرَفَ حِينَ قُلْنَا ذَلِكَ وَلَمْ يَرْجِعْ إِلَيَّ شَيْئًا. ثُمَّ سَمِعْتُهُ وَهُوَ مُوَلِّ يَضْرِبُ فَخِذَهُ وَهُوَ يَقُولُ «وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا»؛ زهری از امام سجاد (ع) و ایشان از امام حسین (ع) به نقل از امام علی (ع) فرمودند: رسول الله (ص) شبی نزد او و فاطمه دختر پیامبر آمد و گفت: آیا شما نماز نمی‌گزارید؟ من گفتم: نفس‌های ما دست خداست و چون بخواهد ما را بر خیزاند، برمی‌خیزاند و آن‌گاه که چنین گفتم، آن حضرت بازگشت و در پاسخ چیزی نگفت (دیگر نزد من نیامدند) سپس در حالی که پشت گردانیده، با دست راست بر ران خویش می‌زد، شنیدم که می‌گفت: «انسان بیش از هر چیز، به مجادله می‌پردازد!».

با توجه به تعدد نقل این روایت در منابع روایی معتبر اهل سنت و نیز تعارض آن با عصمت امام علی (ع)، در این نوشتار، روایت مزبور به لحاظ سندی و محتوایی مورد واکاوی قرار می‌گیرد. البته تمرکز بحث، در نقد محتوایی این روایت است.

درباره پیشینه این پژوهش گفتنی است که مقاله «اعتبارسنجی سندی و محتوایی روایت جدل امام علی (ع) با رسول خدا (ص)» بیشتر به نقد سندی روایت پرداخته و در نقد محتوایی تنها به سه دلیل به صورت خلاصه و گذرا اشاره کرده است. لذا این مقاله در نظر دارد علاوه بر نقد سندی روایت مزبور، نقد محتوایی آن را به صورت تخصصی و به تفصیل بررسی کند که نسبت به کار پیشین نوآوری دارد.

۲. اهم مصادر حدیثی روایت مذکور

در منابع معتبر روایی و تفسیری اهل سنت، روایتی به طریق ابن شهاب زهری از امام سجاد (ع) و ایشان از جد بزرگوارشان چنین گزارش شده است: «حَدَّثَنَا الزُّهْرِيُّ قَالَ أَخْبَرَنِي عَلِيُّ بْنُ حُسَيْنٍ أَنَّ حُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ أَخْبَرَهُ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَخْبَرَهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ طَرَقَهُ وَفَاطِمَةَ بِنْتَ النَّبِيِّ لَيْلَةً فَقَالَ «أَلَا تُصَلِّيانِ» فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَنْفُسَنَا بِيَدِ اللَّهِ، فَإِذَا شَاءَ أَنْ يَبْعَثَنَا بَعَثَنَا. فَأَنْصَرَفَ حِينَ قُلْنَا ذَلِكَ وَلَمْ يَرْجِعْ إِلَيَّ شَيْئًا. ثُمَّ سَمِعْتُهُ وَهُوَ مُوَلِّ يَضْرِبُ فَخِذَهُ وَهُوَ يَقُولُ «وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا»؛ زهری از امام

سجاد(ع) و ایشان از امام حسین (ع) به نقل از امام علی (ع) فرمودند: رسول الله شبی نزد او و فاطمه دختر پیامبر آمد و گفت: آیا شما نماز نمی‌گزارید؟ من گفتم: نفس‌های ما دست خداوند است و هرگاه بخواهد ما را برخیزاند، برمی‌خیزاند و آنگاه که چنین گفتیم، آن حضرت بازگشت و در پاسخم چیزی نگفت (دیگر نزد من نیامدند) سپس در حالی که پشت گردانیده، با دست راست بر ران خویش می‌زد، شنیدم که می‌گفت: «انسان بیش از هر چیز، به مجادله می‌پردازد!».

بخاری در صحیحش این روایت را در ابواب گوناگون «تَحْرِیضِ النَّبِيِّ عَلَى صَلَاةِ اللَّيْلِ وَالنَّوَافِلِ مِنْ غَيْرِ إِيْجَابٍ» و «قَوْلِهِ تَعَالَى وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا» و «فِي الْمَشِيئَةِ وَالْإِزَادَةِ» نقل کرده است (بخاری، صحیح بخاری، ۴: ۳۹۴؛ همان، ۲۴: ۱۵۷، ۳۲۳؛ مسلم، بی‌تا، ۱: ۵۳۷؛ ابن فتوح، ۱۴۲۳ق، ۱: ۷۴؛ بیهقی، ۱۳۴۴ش، ۲: ۵۰۰؛ ابن حبان، ۱۴۱۴ق، ۶: ۳۰۵؛ ابن خزیمه، ۱۳۹۰ش، ۲: ۱۷۸؛ أبو یعلی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۳۰۱؛ أحمد بن حنبل، ۱۴۲۰ق، ۲: ۱۴؛ بزار، ۱۴۰۹ق، ۲: ۱۴۲؛ طبرانی، ۱۴۰۵ق، ۴: ۱۶۳).

۳. ارزیابی حدیثی

ارزیابی این حدیث منوط به بررسی سندی و محتوایی آن است که در ذیل از ابعاد گوناگون به این مهم پرداخته می‌شود:

۳-۱. بررسی سندی

بررسی در اسناد روایت مورد پژوهش در منابع روایی، نشان می‌دهد که این روایت به طرق گوناگونی از شعیب بن ابی حمزه، عقیل، صالح بن کیسان، حکیم بن حکیم و إسحاق، فقط از ابن شهاب زهری نقل شده است. بر این اساس ابن شهاب زهری در نقل آن متفرد است.

۳-۱-۱. بررسی وضعیت راوی در نگاه اهل سنت

در آثار روایی و رجالی اهل سنت، دو دیدگاه درباره وضعیت ابن شهاب زهری قابل برداشت است:

أ- اکثر دانشمندان اهل تسنن، ابن شهاب را ستایش و توثیق نموده و گزارش‌هایی مبنی بر مدح وی نقل کرده‌اند (ابن حجر، ۱۴۰۴ق، ۹: ۳۹۵-۳۹۸؛ بلاذری، ۱۴۱۷ق، ۱۰: ۴۸؛ ابن سعد، ۱۹۶۸م، ۲: ۳۸۸؛ ذهبی، ۱۴۱۹ق، ۱: ۸۳). ذهبی روایتی را در توثیق

او نقل می‌کند. عمرو گوید: «با جابر، ابن عمر، ابن عباس و ابن زبیر، همنشین شدم. هیچ‌کدام را درباره حدیث دقیق‌تر از زهری ندیدم» (ذهبی، بی‌تا، ۹: ۴۰۶). ابن سعد و ابن حجر وی را عالم‌ترین و فقیه‌ترین افراد، دانسته‌اند (ابن حجر، ۱۴۰۴ق، ۹: ۳۹۷؛ ابن سعد، ۱۹۶۸م، ۲: ۳۸۹).

ب- ابن شهاب زهری بر اساس برخی از گزارش‌ها به سبب خدمت به دربار بنی‌امیه و آل مروان، پذیرفتن هدایا و مسئولیت در دربار آن‌ها، شخصیتی ناصالح، سرباز بنی‌امیه، ابزار دست حکام اموی و مروانی قلمداد شده است. مکحول می‌گوید: «اگر زهری خود را با همنشینی با حاکمان فاسد نکرده بود چه مردی که نبود» (ذهبی، بی‌تا، ۵: ۳۳۹). خارجه بن مصعب نیز گوید: «هنگام ریاست زهری در دوره امویان بر او وارد شدم. او را در حالی که بر مرکب سوار و در دستش تازیانه بود و مردم در برابرش در دستان خود چماق داشتند دیدم و گفتم: چه عالمی؟ خداوند رویت را سیاه کند پس، از او حدیث نشنیدم» (ذهبی، ۱۹۹۵م، ۲: ۴۰۴). عمرو بن عبید به عمر بن ردیح که وی را با زهری دیده بود می‌گوید: «حال تو با آلت دست حاکمان چگونه است؟» (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ۵۵: ۳۷۰). ابن ابی‌الحدید، زهری را در شمار منحرفان از حضرت علی (ع) دانسته و گزارشی ناظر به انحراف وی نقل کرده است (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۱۸ق، ۴: ۱۰۲).

۳-۱-۲. بررسی وضعیت راوی در نگاه شیعه

در میان دانشمندان شیعی، خوئی، وی را از کارگزاران و عمال بنی‌امیه و نیز «عدو» دانسته است (خوئی، ۱۴۱۳ق، ۱۷: ۱۹۱). طوسی، او را از دشمنان قلمداد نموده (طوسی، ۱۳۷۳ش، ۱۱۹) و ابن طاووس و حلی نیز بر دشمنی وی تصریح نموده‌اند (ابن طاووس، ۱۴۱۱ق، ۱: ۲۹۹؛ حلی، ۱۴۱۷ق، ۳۹۲).

۳-۱-۳. بحث و بررسی

ابوبکر محمدبن مسلم بن شهاب زهری در مدینه متولد شد و در سال ۱۲۴ق در ناحیه شغب (مرز شام و حجاز) از دنیا رفت. در زمان عبدالملک (خلافت ۶۵-۸۶) در سال ۸۲ق به دربار مروان وارد شد و از جوانی تا پایان عمر (۴۵ سال) ارتباط بسیاری با دربار بنی مروان داشت و از آن به بعد همراه حاکمان و بهره‌مند از هدایا و عطایای بنی‌امیه و بنی مروان گشت (ذهبی، بی‌تا، ۵: ۳۲۶). ابن شهاب به سبب ملازمت همیشگی با آل مروان مورد نکوهش عام و خاص قرار گرفت؛ یحیی بن معین در مقایسه

أعمش با زهری گوید: «اگر أعمش مانند زهری بود از او بیزاری می‌جستم. او تابع و عامل بنی‌امیه، ولی أعمش فقیری صبور، اهل پرهیز از قدرتمندان، باتقوا و عالم به قرآن بود» (حاکم نیشابوری، ۱۳۹۷ ش، ۱: ۹۹). وی به نقل از خواهرش به منظور تقرب به دربار مروانیان حقایق و مسلمات را کتمان می‌نمود. جعفر بن ابراهیم جعفری گوید: «وقتی پیش زهری بودم خواهرش به من گفت: ای جعفری از وی ننویس، دلیلش را جویا شدم، زهری پاسخ داد خواهرش رقیه، پیر و ناتوان شده است. رقیه گفت خودت ناتوان شده‌ای! تو فضایل عترت را کتمان نموده‌ای» (ابن‌عساکر، ۱۴۱۵ ق، ۴۲: ۲۲۸).

قرائن و شواهد نشان می‌دهد که زهری بیشتر روایات را همسو با دستگاه بنی‌امیه گزارش نموده است. چنان‌که در پاسخ به معمر که از زهری پرسید: چگونه با حکام همراه شده‌ای؟ اذعان داشت: «آن‌ها ما را در بازی خود شریک نموده‌اند و ما نیز اعمال خود را همسو با خواسته آن‌ها پیش می‌بریم» (ابن‌مغازلی، ۱۴۲۴ ق، ۱۹۵). افزون بر آن، نامه امام سجاد (ع) به ابن‌شهاب زهری، بیانگر وابستگی وی به دستگاه ظلم و جور است. ایشان خطاب به وی فرمودند: «خداوند در کتابش از علمای دین پیمان گرفته است که حقایق قرآن را برای مردم بیان کنند و آن را نپوشانند. تو بدان کمترین چیزی را که پوشانده‌ای و سبک‌ترین باری که برداشته‌ای این است که ترس و وحشتی را که ظالم دارد ... از میان برده‌ای و راه ستم را برای او هموار کرده‌ای ... مگر نه این است که تو را به سوی خویش می‌خوانند، تو را محور آسیای ظلمشان می‌کنند ... مگر تو را پلی برای عبور به اهداف خویش قرار ندادند؟ ... به وسیله‌ی تو عالمان را مشکوک می‌سازند ... آنان در برابر این همه خدمت تو چه چیزی به تو پرداختند و آنچه به تو می‌دهند چقدر بی‌ارزش است، در برابر آنچه از تو می‌گیرند و چه چیز بی‌ارزشی نصیب تو شد» (ابن‌شعبه، ۱۴۰۴ ق، ۲۷۵).

گفتنی است با وجود گزارش‌های بیان شده در خصوص عداوت ابن‌شهاب زهری، روایات معدودی از وی در باب مدح امام علی (ع) نیز نقل شده است (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ ق، ۳: ۱۳۸؛ شوشتری، بی‌تا، ۵۰).

۲-۳. نقد محتوایی

از آنجا که حجیت روایات منوط به هماهنگی آن‌ها با خطوط کلی معارف قرآن، سنت معتبر و براهین عقلی است؛ برای ارزیابی نهایی روایت، بر بحث محتوایی آن تأکید می‌شود:

۳-۲-۱. تخریب امام (ع) توسط دو امام دیگر

سلسله سند روایت، در همه منابع روایی به سه امام معصوم (ع) می‌رسد: ابن شهاب زهری از امام سجاد (ع) و ایشان از امام حسین (ع) و ایشان از امام علی (ع)، چنین می‌نماید که این روایت گرچه در ظاهر، به سه امام نسبت داده شده است اما تأمل در محتوای آن (که دور از مقام والا و شخصیت درخشان امام علی (ع) است) نشان‌دهنده آن است که جاعلان روایت با وارد کردن نام ائمه (ع) در سلسله سند، علاوه بر مشروعیت‌بخشی به نقل خود، قصد داشتند از آن به عنوان یک حربه بسیار خاص برای وارد کردن ضربه بسیار مهلک و سهمگین به امامت و شیعه استفاده کنند و آن القای این تفکر است که خود امامان در تخریب یکدیگر سخن رانده و عمل یکدیگر را قبول نداشتند. حال آن‌که این ادعا گمانی باطل، بیش نیست. سیره ائمه معصومین (ع) در طول تاریخ نمایان‌گر آن است که آن‌ها، همواره مصدق یکدیگر بوده و هیچ‌گاه در تخریب یکدیگر سخن نگفتند. در حقیقت زندگی آن‌ها از حیث اتحادشان به مثابه زندگی یک انسان ۲۵۰ ساله است. به گفته رهبر معظم انقلاب: «زندگی ائمه، در حقیقت زندگی یک انسان به حساب می‌آوریم «كُلُّهُمْ نَوْرٌ وَاحِدٌ» هر کدام از این‌ها که یک حرفی زدند از زبان آن دیگران هم هست، هر کدام از این‌ها که یک کاری انجام داده‌اند در حقیقت کار آن دیگران هم هست و تمامی کارهای آن‌ها با یک هدف و با یک نیت بوده است» (خامنه‌ای، ۱۳۱۸ش، ۱۳-۹۵).

از سویی دیگر چطور می‌توان پذیرفت امام سجاد (ع) از سهل‌انگاری عبادت امام علی (ع) سخن گویند حال آن‌که وقتی از ایشان - که نهایت عبادت را داشتند - پرسیده شد: عبادت خود با عبادت جدتان را چگونه مقایسه می‌کنید؟ فرمودند: «عبادت من در برابر عبادت جدم مانند عبادت جدم در برابر عبادت پیامبر (ص) است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۴۱: ۱۴۹؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۴۱۸ق، ۱: ۲۷). لذا از این منظر می‌توان به جعلی بودن این روایت پی برد.

۳-۲-۲. بی‌ادبی و جسارت نسبت به پیامبر (ص)

با تأمل در محتوای روایت، این مطلب به ذهن متبادر می‌شود که در آغاز گفتگو بین پیامبر (ص) و امام علی (ع) سخنی از سلام و تحیت نیست. عدم سلام و تحیت، بیانگر اتهام بی‌ادبی و جسارت امام علی (ع) نسبت به پیامبر (ص) است و سکوت حضرت فاطمه (س) (که در این روایت بیان شده است) نیز به نوعی بیانگر هم‌سویی در این

جسارت بر ساخته است (البته اصل تحقق این جسارت از اساس اتهامی واهی است). جواب دادن از پشت درب خانه، نگشودن آن و نحوه پاسخ‌گویی امام به پیامبر (ص)، بیانگر اتهام بی ادبی دیگر به ساحت مقدس آن امام همام است. در صورتی که این نوع از بی ادبی را برخی از اصحاب پیامبر (ص) نسبت به ایشان داشتند. مانند: صحبت کردن عمر با پیامبر (ص) از پشت درب خانه که باعث آزرده‌گی خاطر ایشان شد (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۲۸). در ماجرای نماز خواندن پیامبر (ص) بر جنازه عبدالله بن ابی، عمر با جسارت لباس ایشان را می‌کشید. تا مدتی طولانی عمر از جسارتش نسبت به پیامبر (ص) اظهار تعجب می‌کرد (بخاری، صحیح بخاری، ۱۵: ۲۹۲). فریاد زدن و درگیر شدن برخی از صحابه (ابوبکر و عمر) در محضر پیامبر (ص) که آیات ابتدایی سوره مبارکه حجرات در این مورد نازل شد (بخاری، بی تا، ۱۶: ۱۴۸).

حال آن‌که گزارش‌های تاریخی حاکی از ادب آن دو معصوم در برابر پیامبر (ص) است: «فاطمه (س) در سخن گفتن و نشستن و برخاستن شبیه‌ترین افراد به پیامبر (ص) بود. وقتی بر پیامبر (ص) وارد می‌شد، آن حضرت دستش را می‌گرفت و می‌بوسید و بر جای خودش می‌نشاند و هرگاه پیامبر (ص) بر فاطمه (س) وارد می‌شد، به احترام پدر از جای برمی‌خاست و دست آن حضرت را می‌بوسید و در جای خود می‌نشاند» (ترمذی، بی تا، ۵: ۷۰۰).

باتوجه به گزارش‌های تاریخی مبنی بر بی ادبی و جسارت خلفا نسبت به پیامبر (ص)، به نظر می‌رسد یکی از انگیزه‌های جعل روایت مورد پژوهش، کم کردن فاصله شخصیتی میان خلفاء سه‌گانه با امام علی (ع) و سرپوش گذاشتن به اشتباهات خلفاء، است که براساس آن موجب شد تا اتهام جسارت به پیامبر (ص)، به امام علی (ع) نیز منتسب شود.

۳-۲-۳. سیره پیامبر (ص) در تشویق به نماز

روایت مذکور در صحیح بخاری در بابی تحت عنوان «تَحْرِیضُ النَّبِيِّ عَلَى صَلَاةِ اللَّيْلِ وَالنَّوَافِلِ مِنْ غَيْرِ إِجْبَابٍ» نقل شده است. این نکته قابل تأمل است که بخاری از بین روایات متعدد تشویق پیامبر (ص) به نماز، صرفاً به نقل این روایت پرداخته است! مانند بلند کردن صدای اذان: از امام صادق (ع) نقل شده است که چون وقت نماز داخل می‌شد پیامبر به بلال می‌فرمود: بالای دیوار برو و با صدای بلند اذان بگو (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳: ۳۰۷). علاوه بر این، براساس آنچه از سیره معصومان (ع) رسیده

است، این مطلب قابل برداشت است که آنان کوشیدند احکام دینی خصوصاً نماز را، از طریق روش الگوئی و مشاهده مستقیم، به مسلمانان آموزش دهند تا با روش زبانی. امام صادق (ع) می‌فرماید: «كُونُوا دَعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ وَلَا تَكُونُوا دَعَاةَ بِاللِّسَانِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۵: ۱۹۸؛ حمیری، ۱۴۱۳ق، ۷۷). چنان‌که شواهد تاریخی گویای آن است که عمل رسول خدا (ص)، در اولویت قائل شدن و اهتمام به نماز بدون استفاده از روش کلامی، بیشترین تأثیرات را بر روی مردم مسلمان گذاشت. جبر بن مطعم از پدرش نقل کرده است: «وقتی برای پرداخت فدیة اسرای بدر به مدینه آمدم پس از نماز عصر در مسجد دراز کشیدم و خوابیدم تا اینکه نماز مغرب برپا شد و با شنیدن قرائت پیامبر که سوره «طور» را می‌خواند ترسان برخاستم و به خواندن آن حضرت گوش دادم تا از مسجد بیرون رفتم در آن موقع اولین بارقه ایمان در دلم قرار گرفت» (واقعی، ۱۴۰۹ق، ۱: ۱۲۸). باتوجه به سیره عملی پیامبر (ع) در دعوت به نماز، می‌توان به جعلی و ساختگی بودن این روایت پی برد.

۳-۲-۴. پاسخ جبرگرایانه امام علی (ع)

پاسخ امام علی (ع) در برابر دعوت پیامبر (ص) به نماز «أَنْفُسُنَا بِيَدِ اللَّهِ فَإِذَا شَاءَ أَنْ يَبْعَثَنَا بَعْثًا»، بیانگر اندیشه جبر در سخن ایشان است؛ گویی که بنا بر اعتقاد امام علی (ع)، انسان از خود هیچ اختیاری نداشته و جبر الهی حکم فرماست.

جبرگرایی از جمله اختلافات فکری بود که در میان مسلمین دامن زده شد و از سوی حکام بنی امیه دنبال و مورد حمایت قرار گرفت. بنی امیه از اندیشه جبر به عنوان ابزار تسلط بر جامعه حمایت نموده و در راستای مشروعیت بخشیدن به حکومت خود در ترویج آن تلاش بسیاری داشتند. این جریان از زمان معاویه شروع و تا حکام دیگر ادامه یافت؛ چنان‌که در کتب تاریخی آمده است: «وقتی پدر ولید (عبدالملک) را به گور سپردند و او از پیش گور برفت، وارد مسجد شد و به منبر رفت و گفت: «... إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» از خدا درباره مصیبت امیر مومنان کمک باید جست و حمد خدا بر نعمت خلافت که به ما داد. برخیزید و بیعت کنید» (طبری، ۱۴۰۷ق، ۳: ۶۶۹). این‌گونه ولید بن عبدالملک از همان ابتدای امر، جبری بودن و الهی بودن سلطنت خویش را تبلیغ می‌کند. از آنجا که ابن شهاب زهری (راوی متفرد روایت) عمرش را در دربار خلفای مروانی، در منصب‌های مختلف حکومتی گذراند (ذهبی، بی‌تا، ۵: ۳۲۸-۳۳۱) و در پی منافع آن‌ها حدیث جعل می‌کرد (در بحث سندی بدان اشاره شد)، لذا این حدیث را

نیز جعل نمود تا به نوعی اندیشه جبرگرایی را به امام (ع) نیز نسبت دهد. نمونه‌های دیگری از این اندیشه در صحیحین گزارش شده است: از پیامبر (ص) نقل شده است که فرمودند: «آن‌گاه که از استقرار نطفه در رحم چهل و پنج روز گذشت فرشته‌ای وارد رحم می‌شود و می‌گوید خدایا این جنین شقی است یا سعید. آن‌گاه نوشته می‌شود. سپس کارهای او و اجل او و روزی او نوشته شده و نامه اعمال او پیچیده می‌شود. نه چیزی بر آن افزوده و نه چیزی از آن کاسته می‌شود به خدا سوگند برخی از شما کار بهشتیان را انجام می‌دهد تا آنجا که میان او و بهشت تنها یک ذراع فاصله می‌ماند. ناگهان سرنوشت بر او پیشی می‌گیرد و او کار دوزخیان را انجام می‌دهد و به جهنم می‌رود و برخی از شما کار دوزخیان را انجام می‌دهد تا آنجا که میان او و دوزخ جز یک ذراع باقی نمی‌ماند در این هنگام سرنوشت بر او پیشی می‌گیرد و او کار بهشتیان را انجام می‌دهد و به بهشت می‌رود» (بخاری، بی‌تا، ۱۱: ۳۵۲؛ مسلم، بی‌تا، ۴: ۲۰۳۶). این حدیث چنین به دست می‌دهد که زمام کار به دست سرنوشت است نه رفتار و اختیار انسان.

از شواهد و قرائن ناگفته پیداست که رواج اندیشه جبرگرایی در زمان بنی‌امیه از یک سو و تلاش‌های آنان در جهت تخریب شخصیتی امام علی (ع) از سویی دیگر، سبب جعل روایت مذکور و انتساب اندیشه جبر به آن امام همام شد.

۳-۲-۵. آزار و اذیت پیامبر (ص)

مضمون روایت چنین به دست می‌دهد که امام علی (ع) موجب آزار و اذیت پیامبر (ص) شده‌اند. زمانی که پیامبر (ص) پاسخ فرافکنی جبرگرایانه از امام علی (ع) می‌شنوند پشت گردانیده و دیگر بازنگشتند و با دست راست بر پای خویش می‌زدند: «فَأَنْصَرَفَ حِينَ قُلْنَا ذَلِكَ وَلَمْ يَرْجِعْ إِلَيَّ شَيْئًا. ثُمَّ سَمِعْتُهُ وَهُوَ مُوَلِّ يَضْرِبُ فِخْذَهُ...».

چنین واکنشی از پیامبر (ص) نشانه اوج مصیبت و فاجعه عظیم از این جواب و همچنین آزار و اذیت ایشان از شنیدن چنین پاسخی است. ناگفته پیداست، روایت مزبور، چه وجه تاریکی از آن امام همام را نشان می‌دهد.

براساس آیه ۵۷ سوره مبارکه احزاب: «إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا» (الأحزاب: ۵۷). افرادی که در صدد برآیند تا پیامبر (ص) را مورد آزار قرار دهند، به لعنت خدا در دنیا و آخرت وعده داده شده‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰ ش، ۱۶: ۳۳۹). لذا یکی از معیارهای لعن کردن، آن است که فرد، عملی انجام دهد که منجر به آزار و اذیت پیامبر (ص) شود؛ از سویی دیگر، اگر خداوند فردی را مورد

لعن قرار دهد، بی‌گمان لعن وی بر همگان واجب می‌شود. بر این اساس، یکی از مقاصد شوم جاعلان روایت مذکور، جلوه دادن این مطلب بوده است که امام علی (ع) موجب آزار و اذیت پیامبر (ص) شده، لذا سب و لعن ایشان لازم می‌نمورد. این برداشت از روایت دقیقاً همسو با روایاتی است که جعل می‌شد تا زمینه را برای سب و لعن امام علی (ع) فراهم سازد. چنان‌که محدوده زمانی جعل این روایت مربوط به زمانی است که سب و لعن بر آن امام همام رواج حکومتی داشت (دوره پس از شهادت حضرت تا سال ۹۹-۱۰۱ هجری).

در مصادر روایی اهل سنت، از این‌گونه روایات - که امام علی (ع) را متهم به آزار و اذیت پیامبر (ص) کرده‌اند - گزارش شده است. مانند: روایت جعلی خواستگاری امام علی (ع) از دختر ابوجهل است که دقیقاً به عنصر آزار و اذیت پیامبر (ص) اشاره شده است (بخاری، صحیح بخاری، ۱۱: ۲۰۹؛ ابن حبان، ۱۴۱۴ق، ۱۵: ۵۳۵).

حال، کسی که آزار او در حقیقت آزار پیامبر (ص) است چطور می‌توان پذیرفت، خود او باعث آزار پیامبر (ص) شود. در منابع کهن اهل سنت، روایتی گزارش شده است: عمرو بن شاش می‌گوید با علی (ع) به یمن رفتیم و من آن‌جا از او دلخور شدم و وقتی به مدینه بازگشتیم در مسجد از او شکایت کردم که خبرش به گوش پیامبر هم رسید. فردای آن روز وارد مسجد شدم و پیامبر را در میان اصحابش دیدم. تا مرا دید نگاه غضبناکی به من کرد و گفت: عمرو! به خدا سوگند مرا آزار دادی! گفتم: به خدا پناه می‌برم از این که شما را اذیت کرده باشم! فرمود: بله، اذیت کردی. هرکس علی (ع) را برنجاند مرا اذیت کرده است (بخاری، تاریخ الکبیر، ۶: ۳۰۶؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ۳: ۱۳۱؛ ابن حبان، ۱۴۱۴ق، ۱۵: ۳۶۵؛ أحمد بن حنبل، ۱۴۲۰ق، ۲۵: ۳۲۱).

در مقابل، این آزار و اذیت از سوی دیگر صحابه بوده است. سخیف‌تر از همه موارد، داستان قلم و کاغذ خواستن پیامبر (ص) در روزهای آخر عمر شریف خود است، که این دستور، با اهانت عمر به آن حضرت، مورد مخالفت واقع شد. این اهانت به حدی بود که سال‌ها ابن عباس از آن ناراحت بود: «پیامبر بیشترین اذیت را زمانی تحمل کرد که بین او و نوشتن مطلب مانع شدند» (بخاری، صحیح بخاری، ۱: ۲۰۶؛ همان، ۱۴: ۳۷۳؛ همان، ۱۹: ۷۳؛ مسلم، بی‌تا، ۳: ۱۲۵۷؛ ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ۶: ۳۱۶؛ ابن حبان، ۱۴۱۴ق، ۱۴: ۵۶۲؛ ابن سعد، ۱۹۶۸م، ۲: ۲۴۴؛ ابن کثیر، ۱۴۱۸ق، ۸: ۳۶). گویا اتهام آزار و اذیت پیامبر (ص) به امام علی (ع) با هدف زمینه‌سازی بر لعن و سب امام (ع) جعل شده است. افزون بر آن با نسبت دادن این اتهام به امام، مقام و منزلت ایشان را فروکاسته و آن امام همام را هم‌طراز با سایر خلفای خود قرار داده‌اند.

۳-۲-۶. روی برگرداندن پیامبر (ص) از امام علی (ع)

بر اساس روایت، واکنش پیامبر (ص) پس از شنیدن پاسخ امام علی (ع)، روی گردانی همیشگی از ایشان بوده است: «... فَأَنْصَرَفَ حِينَ قُلْنَا ذَلِكَ وَلَمْ يَرْجِعْ إِلَيَّ شَيْئًا». این حالت اوج ناراحتی و حتی ناراحتی همیشگی پیامبر (ص) از امام علی (ع)، عدم محبت و همچنین حالت انضجار نسبت به ایشان را نشان می‌دهد. حال آن‌که این واکنش پیامبر (ص) با آیه و جوب مودت ذوالقربی در تعارض جدی قرار دارد: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (الشوری: ۲۳).

طبق آیه شریفه، مودت به ذوالقربی بر همه مسلمانان واجب شده است، در صورتی که در روایت، خود پیامبر (ص) از آن زمان تا آخر عمر دیگر پیش حضرت نیامده و از ایشان ناراحت بودند!

آیه شریفه به اذعان علمای اهل سنت در شأن اهل بیت نازل شده است. علامه حلی این آیه را، چهارمین آیه دال بر امامت امام علی (ع) قرار داده و فرموده است: «جمهور (اهل تسنن) در صحیحین (صحیح بخاری و صحیح مسلم) و احمد بن حنبل در مسندش و ثعلبی در تفسیرش از ابن عباس نقل کرده‌اند که فرمود: وقتی آیه «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» نازل شد، گفتند: ای رسول خدا، خویشانی که مودتشان بر ما واجب است چه کسانی هستند؟ فرمود: علی و فاطمه و حسن و حسین و جوب مودت مستلزم جوب اطاعت است» (حلی، ۱۹۸۲ م، ۱: ۱۷۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ۲۷: ۵۹۵؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ ق، ۱۰: ۳۱۰).

چطور می‌توان پذیرفت پیامبر (ص)، برای همیشه از امام علی (ع) روی گرداندن در حالی که بارها فرمودند: «نگاه کردن به چهره علی (ع) عبادت است» (طوسی، ۱۴۱۴ ق، ۳۵۰؛ طبرانی، ۱۴۰۴ ق، ۱۰: ۷۶؛ ذهبی، ۱۴۰۷ ق، ۱۸: ۵۱۳؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ ق، ۳: ۱۵۲). از سویی دیگر در منابع تاریخی، این روی گردانی پیامبر (ص) از افراد دیگر، نقل شده است نه درباره امام علی (ع). مانند روی گردانی پیامبر (ص) از برخی از صحابه (عمر و ابوبکر) قبل از شروع جنگ بدر (مسلم، بی‌تا، ۳: ۱۴۰۳؛ ابن طاووس، ۱۴۰۰ ق، ۲: ۴۴۷؛ حلی، ۱۹۸۲ م، ۳۳۹؛ ابن فتوح، ۱۴۲۳ ق، ۲: ۴۸۸).

مطالب بیان شده، گویای آن است که روی گردانی پیامبر (ص) از امام علی (ع)، در تعارض جدی با آیات و روایات است. افزون بر آن، با توجه به روی گردانی پیامبر (ص) از دیگر صحابه، می‌توان دریافت که امور ناپسند سر زده از برخی اصحاب، در زمان متأخر، با اغراض شوم متعدّد به امام علی (ع) و اهل بیت (ع) نسبت داده شده است.

۳-۲-۷. تعارض با شأن نزول آیه «وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا»

بخاری روایت را در باب «قَوْلِهِ تَعَالَى وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا» (الکهف: ۵۴) نقل می‌کند (بخاری، صحیح بخاری، ۲۴: ۱۵۷). در حقیقت، امام علی (ع)، مصداقی از آیه مبارکه، قلمداد شده است. حال آن‌که این خوانش از آیه توانسته توجه مفسران اهل سنت را به خود جلب کند. اغلب منابع تفسیری فریقین در ذیل آیه، مصدایق دیگری گزارش نموده‌اند:

ابن عباس گوید: منظور نضر بن حارث است. کلبی نیز گوید: منظور ابی بن خلف است. در اغلب تفاسیر هم با استناد به آیه «يَجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ» (الکهف: ۵۶) استنباط کردند که منظور انسان در این آیه کافر است (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۶: ۷۳۷؛ واحدی، ۱۴۱۵ق، ۲: ۶۶۵؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ۳: ۲۰۰؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ۳: ۹۲؛ ماتریدی، ۱۴۲۶ق، ۷: ۱۸۵).

انسان جدل پیشه در آیات دیگر نیز، «نضر بن حارث» گزارش شده است: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ» (الحج: ۳). «وَقَالُوا آلِهَتُنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ» (الزخرف: ۵۸) (ابن هشام، ۱۴۱۱ق، ۲: ۲۰۴؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ۱۷: ۸۹؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ۸: ۲۴۷۴؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ۳: ۱۱۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ۱۴: ۱۲).

بی‌توجهی مصادر تفسیری به روایت مذکور، به عبارتی دیگر عدم تمایل مفسران در نقل آن در ذیل آیه شریفه، حکایت از بی‌اعتباری و بی‌ارزشی این روایت نزد ایشان دارد. از سویی دیگر، با توجه به پیشینه تاریخی جدل برخی از خلفا با پیامبر (ص) (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۳۰: ۵۶۱؛ ذهبی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۳۷۱؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۱۸ق، ۱۲: ۶۰)، این احتمال به ذهن متبادر می‌شود که با هدف خدشه وارد کردن به جایگاه امامت و وصایت امام و نیز به منظور موجه جلوه دادن کجروی‌های خلفاء، این روایت جعل و جدل با پیامبر (ص) به ایشان نیز منتسب شده است.

۳-۲-۸. تعارض با عصمت امام علی (ع)

روایت مورد پژوهش، امام علی (ع) را انسانی جدل پیشه معرفی نموده که با استدلالی جبرگرایانه برای توجیه سستی خویش در انجام عبادات، موجب آزردن پیامبر (ص) و بی‌ادبی و جسارت نسبت به ایشان شده‌اند. حال آن‌که این مطالب در تعارض جدی با آیات و روایات متواتری است که به اذعان منابع فریقین در شأن امام علی (ع) بوده و

نشانگر عصمت ایشان است:

آیه تطهیر: «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (الأحزاب: ۳۳). به اذعان منابع اهل سنت، در شأن اهل بیت (ع) نازل شده است و صراحتاً عصمت امام را اثبات می‌کند (مسلم، بی‌تا، ۴: ۱۸۸۳؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ۸: ۲۲۱؛ ابن حبان، ۱۴۱۴ق، ۱۵: ۴۳۲؛ ترمذی، بی‌تا، ۵: ۳۵۱؛ ابن فتوح، ۱۴۲۳ق، ۴: ۲۲۵؛ بیهقی، ۱۳۴۴ش، ۲: ۸۰). در منابع تاریخی چنین گزارش شده است که پیامبر (ص) به مدت هشت ماه در هنگام نماز صبح در جلوی درب خانه علی (ع) و حضرت فاطمه (س) می‌آمدند و می‌فرمودند: «الصَّلَاةُ رَجَمَكُمُ اللَّهُ إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ۴۲: ۱۳۶).

گویا مخالفان امام، به منظور از بین بردن حرکت نمادین نبوی (ص) در نشان دادن صریح اهل بیت (ع) در آیه تطهیر، از خود قرآن در رد امام علی (ع) استفاده کرده تا مقام و منزلت ایشان را فروکاهند.

آیه ولایت: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (المائدة: ۵۵). این آیه به اذعان منابع اهل سنت در شأن امام علی (ع) نازل شده است (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ۲: ۲۹۳؛ هیشمی، ۱۴۱۲ق، ۷: ۸۰؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ۴: ۸۰). آیه مباحله: «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» (آل عمران: ۶۱). به اذعان منابع فریقین، در شأن اهل بیت (ع) نازل شده است و به روشنی فضیلت و برتری اهل بیت (ع) و عصمت امام را نیز اثبات می‌کند (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ۳: ۱۶۳؛ ابن حجر، ۱۴۱۵ق، ۴: ۵۶۹؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ۲: ۶۶۷). حدیث غدیر که بیانگر مقام امامت و عصمت ایشان است (طبرانی، ۱۴۰۴ق، ۵: ۲۰۴؛ ابویعلی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۴۲۸؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ۳: ۱۱۹؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ۴۲: ۱۱۹؛ طبرانی، ۱۴۱۵ق، ۲: ۲۴؛ احمد بن حنبل، ۱۴۲۰ق، ۲: ۷۱؛ ابن ماجه، ۱۴۳۰ق، ۱: ۸۸). لازمه ولایت داشتن، عصمت است.

با وجود روایاتی از پیامبر (ص) در مورد علم امام علی (ع): از جمله: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلَى بَابِهَا» (مفید، ۱۴۱۳ق، ۱: ۳۳؛ صدوق، ۱۳۹۸ش، ۳۰۷؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ۳: ۱۱۸؛ هیتمی، ۱۹۹۷م، ۱: ۷۳؛ بغدادی، بی‌تا، ۷: ۳۷۷)، «أَعْلَمُ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي عَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ» (صدوق، ۱۳۷۶ش، ۱۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۸: ۳۸؛ خوارزمی، بی‌تا، ۶۷). چگونه می‌توان این گلاویز شدن لفظی در نهایت بی‌ادبی از روی جهل و بی‌علمی و

بی‌منطقی را به امام علی (ع) نسبت داد. چطور ممکن است خود ایشان یارانشان را از جدل نهی کنند؛ اما خود مرتکب آن شوند! (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۷۴: ۲۶۸).

۳-۲-۹. تعارض با سیره عبادی امام علی (ع)

روایت مورد پژوهش، نشان‌دهنده عدم تمایل امام علی (ع) به نماز شب است. چگونه روا باشد امام علی (ع)، متهم به سهل‌انگاری در نماز شوند؛ حال آن‌که ایشان اولین مردی بود که با پیامبر (ص) نماز گزارد و به دین او ایمان آورد (احمد بن حنبل، ۱۴۲۰ق، ۷: ۳۹۴؛ ابن‌سعد، ۱۹۶۸م، ۳: ۲۱). هرگاه به نماز می‌ایستاد مانند بنائی استوار یا ستونی راست تکان نمی‌خورد و یا در حال رکوع یا سجده (از بس آرام بود) پرنده بر پشت آن حضرت فرود می‌آمد. در منابع روایی، نقل شده است «هیچ‌کس طاقت تقلید از پیامبر (ص) را نداشت جز علی (ع) و امام زین‌العابدین (ع)» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۸۱: ۲۶۵؛ ابن‌حیون، ۱۳۸۵ش، ۱: ۱۵۹). اهتمام ایشان به نماز چنان بود که حتی در بحبوحه جنگ نیز از آن غافل نشد و هدف خویش از جنگیدن را اقامه نماز دانست (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۸۰: ۲۳؛ دیلمی، ۱۴۱۲ق، ۲: ۲۱۷).

با تجلی آن همه خوف و خشیت الهی در سیمای تابناک آن امام معصوم، نسبت سهل‌انگاری در نماز به هیچ وجه شایسته ایشان نیست (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۴۱: ۲۲؛ دیلمی، ۱۴۱۲ق، ۱: ۲۰).

به نظر می‌رسد از دیگر انگیزه‌های جعل این روایت، تخریب عبادی امام علی (ع) است. بر این اساس روایت مذکور، با سایر روایات تخریب شخصیتی امام علی (ع) در مصادر روایی اهل سنت به ویژه صحیحین، همسویی دارد. از جمله: نماز خواندن امام در جامه‌ای ناشسته (بخاری، صحیح بخاری، ۲: ۱۳۱)، خشمگین ساختن حضرت فاطمه (س) و نزاع و مشاجره با ایشان (بخاری، صحیح بخاری، ۲: ۲۶۲؛ بیهقی، ۱۳۴۴ش، ۲: ۴۴۶)، سوزاندن زنداقه توسط امام (بخاری، صحیح بخاری، ۲۰: ۲۳؛ بیهقی، ۱۳۴۴ش، ۸: ۱۹۵) و ...

۴. نتیجه‌گیری

۱. روایت جدل امام علی (ع) با پیامبر (ص) در مصادر کهن روایی اهل سنت، بسیار ضعیف و غیر قابل پذیرش است. به لحاظ سند، ابن‌شهاب زهری در نقل آن متفرد است به ویژه آن‌که وابستگی وی به دستگاه بنی‌امیه، نقل روایات جعلی مطابق میل

آن‌ها و نیز قرائن دیگر مؤید تکذیب وی است.

۲. سلسله سند روایت مورد پژوهش، در همه منابع روایی به سه امام معصوم (ع) می‌رسد. گویا این مطلب، القای چنین نگرشی باشد که خود امامان (ع) در تخریب یکدیگر سخن رانده‌اند. حال آن‌که این امر با عصمت اهل بیت (ع) و اتحاد کامل آن‌ها در تعارض است.

۳. چنان‌که از مضمون روایت پیداست، امام علی (ع) با استدلالی جبرگرایانه در برابر دعوت پیامبر (ص) به نماز، سستی خویش در انجام عبادات را توجیه نموده‌اند. در راستای رواج اندیشه جبرگرایی در زمان بنی‌امیه در جهت مشروعیت‌بخشی به حکومت خود، این‌گونه روایات جعل می‌شد تا به نوعی این اندیشه را به آن امام همام (ع) نیز نسبت دهند. متأسفانه ثمرات تلاش‌های بنی‌امیه در جعل، نقل و نشر این دسته از روایات گاه در مصادری چون صحاح سته به ویژه صحیحین و سایر مسانید و مصنفات اهل سنت راه یافته است که ضرورت پیرایش این کتب را از چنین گزارش‌هایی نشان می‌دهد.

۴. طبق آیه ۵۷ سوره مبارکه احزاب، افرادی که پیامبر (ص) را بیازارند، لعن آن‌ها واجب می‌شود. از این منظر می‌توان به یکی از انگیزه‌های جعل روایت، پی برد. به این صورت که این روایت در صدد نشان دادن آزردن پیامبر (ص) توسط امام علی (ع) است، لذا سب و لعن ایشان لازم می‌نمود. همچنان که جعل این روایت تقارن زمانی دارد با دوران پس از شهادت حضرت تا سال ۹۹-۱۰۱ هجری. زمانی که سب و لعن بر آن امام همام رواج حکومتی داشت. در حقیقت این روایت همسو با روایاتی است که جعل می‌شد تا زمینه را برای لعن و سب امام علی (ع) فراهم سازد.

۵. این روایت با اهدافی مانند کم کردن فاصله شخصیتی میان خلفاء سه‌گانه با امام علی (ع)، سرپوش گذاشتن به اشتباهات خلفاء و همچنین فساد آن‌ها، خدشه وارد کردن به جایگاه امامت و وصایت امام علی (ع) جعل شده است؛ مانند آنچه که در روایت انعکاس یافته است؛ از جمله اتهام بی‌ادبی و جسارت امام علی (ع) نسبت به پیامبر (ص)، جدل ایشان با پیامبر (ص) و همچنین آزردن پیامبر (ص) توسط امام علی (ع) و در نهایت روی برگرداندن همیشگی پیامبر (ص) پس از شنیدن پاسخ امام علی (ع). حال آن‌که گزارش‌های تاریخی حاکی از بی‌ادبی‌های برخی از صحابه نسبت به ساحت مقدس پیامبر (ص)، جدل صحابه با ایشان، آزردن پیامبر (ص) توسط صحابه (در ماجرای قلم و دوات) و روی‌گردانی ایشان از افراد دیگر است. گویا کارهای ناپسند برخی از

صحابه، در زمان متأخر، با اغراض شوم متعدّد به امام علی (ع) و اهل بیت (ع) نسبت داده شده است.

۶. نسبت‌های ناروا در روایت؛ از جمله سستی امام علی (ع) در انجام عبادات، بی ادبی و جسارت نسبت به پیامبر (ص) و جدل با ایشان، در تعارض جدی با آیاتی است که به اذعان منابع اهل سنت در شأن امام علی (ع) نازل شده و گویای عصمت ایشان است. چنان‌که واکنش پیامبر (ص) در روی گردانی از امام علی (ع) در تعارض جدی با آیه و جوب مودّت ذوالقربی است.

۷. روایت مورد پژوهش در تعارض جدی با دیگر روایات مصادر روایی اهل سنت است که بر عبادت بی نظیر امام علی (ع)، ادب ایشان و حضرت فاطمه (س) نسبت به پیامبر (ص)، سیره عملی پیامبر (ص) در دعوت به نماز (نه زبانی) دلالت دارد. خصوصاً آزدن پیامبر (ص) توسط امام علی (ع)، در تعارض با روایت «مَنْ آذَى عَلِيًّا فَقَدْ آذَانِي» است که نه تنها منابع شیعی، بلکه منابع اهل سنت نیز آن را گزارش نموده‌اند.

۸. در روایت، انسان جدل‌پیشه و مصداق آیه «وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا» امام علی (ع) قلمداد شده است. حال آن‌که چنین گزارش‌هایی نتوانسته توجه مفسران اهل سنت را به خود جلب کند. اغلب منابع تفسیری فریقین در ذیل آیه، مصداق دیگری نقل نموده‌اند. عدم تمایل مفسران در نقل این روایت در ذیل آیه شریفه حکایت از بی‌اعتباری و بی‌ارزشی این روایت نزد ایشان دارد.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۷۳ش.
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم، ریاض، مکتبه نزار مصطفی الباز، چاپ سوم، ۱۴۱۹ق.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، بیروت، دار الکتب علمیه، ۱۴۱۸ق.
- ابن تیمیه، احمد بن عبد الحلیم، منهاج السنة النبویة، بی‌جا، مؤسسه قرطبه، ۱۴۰۶ق.
- ابن جوزی، عبدالرحمن، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۲۲ق.
- ابن حبان، محمد، صحیح ابن حبان، بیروت، مؤسسه رساله، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
- ابن حجر، احمد بن علی، الإصابه فی تمییز الصحابه، بیروت، دار الکتب علمیه، ۱۴۱۵ق.
- _____، تهذیب التهذیب، دار الفکر، ۱۴۰۴ق.
- ابن حیون، نعمان بن محمد، دعائم الإسلام، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، چاپ دوم، ۱۳۸۵ش.
- ابن خزیمه، محمد بن إسحاق، صحیح ابن خزیمه، بیروت، مکتب اسلامی، ۱۳۹۰ش.
- ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، بیروت، دار صادر، ۱۹۶۸م.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین، نوبت دوم، ۱۴۰۴ق.

- ابن طاووس، علی بن موسی، التحریر الطاووسی، قم، سید الشهداء، ۱۴۱۱ق.
- _____، الطوائف فی معرفة مذاهب الطوائف، قم، خیام، ۱۴۰۰ق.
- ابن عساکر، علی بن الحسن، تاریخ دمشق، بی جا، دار الفکر، ۱۴۱۵ق.
- ابن فتوح، محمد، الجمع بین الصحیحین البخاری ومسلم، بیروت، دار النشر، چاپ دوم، ۱۴۲۳ق.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البداية والنهاية، بی جا، دار هجر، ۱۴۱۸ق.
- ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، بی جا، دار الرسالة العالمية، ۱۴۳۰ق.
- ابن مغزلی، أبو الحسن، مناقب أمير المؤمنين علی بن أبی طالب، بی جا، دار الآثار، ۱۴۲۴ق.
- ابن هشام، عبدالملک، السيرة النبوية، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۱ق.
- أبو یعلی، أحمد بن علی، مسند أبی یعلی الموصلی، دمشق، دار المأمون للتراث، ۱۴۰۴ق.
- أحمد بن حنبل، أبو عبد الله، مسند الإمام أحمد بن حنبل، بی جا، مؤسسة الرسالة، چاپ دوم، ۱۴۲۰ق.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، التاريخ الكبير، بی جا، دار الفکر، بی تا.
- _____، صحیح البخاری، بی جا، بی تا.
- بزار، أحمد بن عمرو، مسند البزار (البحر الزخار)، بیروت، مؤسسة علوم القرآن، ۱۴۰۹ق.
- بغدادی، أحمد بن علی، تاریخ بغداد، بیروت، دار الکتب العلمية، بی تا.
- بغوی، حسین بن مسعود، تفسیر البغوی المسمى معالم التنزیل، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
- بلاذری، أحمد بن یحیی، جمل من أنساب الأشراف، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷ق.
- بیهقی، أحمد بن حسین، السنن الكبرى وفى ذیلہ الجوهر النقی، هند، مجلس دائرة المعارف النظامية الكائنة، ۱۳۴۴ش.
- ترمذی، محمد بن عیسی، الجامع الصحیح سنن الترمذی، بیروت، دار إحياء التراث العربی، بی تا.
- ثعلبی، احمد بن محمد، الكشف والبيان، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبد الله، معرفة علوم الحديث، بیروت، دار الکتب العلمية، چاپ دوم، ۱۳۹۷ش.
- _____، المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دار الکتب العلمية، ۱۴۱۱ق.
- حلی، حسن بن یوسف، نهج الحق وکشف الصدق، بیروت، دار الکتب اللبنانی، ۱۹۸۲م.
- _____، خلاصة الاقوال، بی جا، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ق.
- حمیری، عبد الله بن جعفر، قرب الإسناد، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۳ق
- خامنه ای، سید علی، انسان ۲۵۰ ساله، تهران، مؤسسة ایمان جهادی، ۱۳۱۸ش
- خوئی، ابوالقاسم، معجم رجال الحديث وتفصیل طبقات الرواة، بی جا، انتشارات منقحة و مزیدة، چاپ پنجم، ۱۴۱۳ق.
- خوارزمی، موفق بن احمد، المناقب الخوارزمی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، بی تا.
- دیلمی، حسن بن ابی الحسن، إرشاد القلوب إلى الصواب (للدیلمی)، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.
- ذهبی، محمد بن أحمد، تذكرة الحفاظ، بیروت، دار الکتب العلمية، ۱۴۱۹ق.
- _____، سير أعلام النبلاء، بی جا، مؤسسة الرسالة، بی تا.
- _____، تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
- _____، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۹۹۵م.
- سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم، کتابخانه حضرت آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.

- شوشتری، نور الله، شرح إحقاق الحق وإزهاق الباطل مع تعليقات المرعشی النجفی، بی جا، بی تا.
- صدوق، محمد بن علی، الأمالی (للسدوق)، تهران، کتابچی، نوبت ششم، ۱۳۷۶ش.
- _____، التوحید، قم، انتشارات جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، ۱۳۹۸ق.
- طباطبایى، محمدحسین، المیزان فى تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۳۹۰ش.
- طبرانی، سلیمان بن أحمد، المعجم الأوسط، قاهرة، دار الحرمین، ۱۴۱۵ق.
- _____، المعجم الكبير، موصل، مكتبة العلوم والحكم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
- _____، مسند الشاميين، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۵ق.
- طبرسى، فضل بن حسن، مجمع البيان فى تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
- طبرى، محمد بن جریر، جامع البيان فى تفسیر القرآن (تفسیر الطبرى)، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۱۲ق.
- _____، تاریخ الأمم والملوك، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۷ق.
- طوسى، محمدبن حسن، الامالی، قم، نشر دار الثقافة، ۱۴۱۴ق.
- _____، تهذیب الأحكام، تهران، دار الکتب الإسلامیه، نوبت چهارم، ۱۴۰۷ق.
- _____، رجال الطوسى، قم، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسين بقم المقدسه، چاپ سوم، ۱۳۷۳ش.
- فخر رازى، محمد بن عمر، التفسیر الكبير (مفاتیح الغیب)، بیروت، دار إحياء التراث العربى، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق.
- کلینى، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- ماترىدى، محمد بن محمد، تأویلات أهل السنة (تفسیر الماترىدى)، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۶ق.
- مجلسى، محمدباقر، بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الانمة الاطهار، بیروت، مؤسسه وفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
- مسلم نیشابورى، مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، بیروت، دار إحياء التراث العربى، بی تا.
- مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فى معرفة حجج الله على العباد، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت، دار إحياء التراث العربى، ۱۴۲۳ق.
- مکارم شیرازى، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب اسلامیه، چاپ دهم، ۱۳۷۱ش.
- واحدى، على بن احمد، الوجيز فى تفسیر الكتاب العزيز، بیروت، دار القلم، ۱۴۱۵ق.
- واقدى، محمد بن عمر، المغازى، بیروت، دار الأعلمی، چاپ سوم، ۱۴۰۹ق.
- هیتمى، ابن حجر، الصواعق المحرقة على أهل الرفض والضلال والزندقه، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۹۹۷م.
- هیثمى، نور الدین، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، بیروت، دار الفكر، ۱۴۱۲ق.